

آثار خوش گمانی به خدا

• **محمد مهدی رشادتی**

امام هشتم(ع) فرمود: احسن‌الظن بالله فان من حسن ظنه بالله كان الله عند ظنه- به خدا خوش‌بین باش زیرا هر کس به خداوند خوش گمان باشد، خدا نیز با گمان خوش او همراه است. (تحف‌المقول ص ۴۷۲)

حضرت در فراز دیگری می‌فرماید: به خدا خوش‌بین باشیبد، زیرا خداوند می‌فرماید: من نزد گمان بنده مومن خویش هستم. اگر گمان او به من خوب است، رفتار من نیز با وی خوب است و چنانچه گمان او بر من بد باشد، رفتار من نیز با وی بد خواهد بود. (اصول کافی ج ۳ ص ۱۱۶)

به نظر می‌رسد که ویژگی حسن ظن به خدا از نتایج و از لوازم رجا و امیدواری به خداست، زیرا در روایت داریم که: خوش گمانی انسان به خدا به مقدار امید است که به او دارد. (درس‌هایی از اخلاق ص ۹۱-غررالحکم ج ۲ ص ۶۵) بنابراین به هر میزان که آدمی امیدش به رحمت بی‌پایان الهی افزایش یابد، گمان او نیز به خداوند نیکوتر خواهد شد. بر عکس چنانچه امیدواری‌اش کاستی پیدا کند، گمان وی نیز بدتر می‌شود.

خوش گمانی به خدا از عوامل بسیار موثر در تربیت اسلامی است. گاهی ممکن است انسان به خاطر کثرت گناهان و نیز به خاطر وعده‌های فراوان عذاب و آتش برای کافران و گناهکاران، دچار خوف و نگرانی بیش از اندازه شود و در نتیجه یأس و ناامیدی سراسر وجود او را فرا بگیرد. اما صفت حسن‌ظن می‌تواند او را با وجود داشتن گناهان بی‌شمار به رحمت و مغفرت پروردگار امیدوارتر کند.

راه تقویت خوش گمانی به خدا

چگونه می‌توانیم خوش گمانی را در خود تقویت کنیم؟ پاسخ این است که: خوش‌گمانی و بدگمانی مربوط به حوزه فکر و نگرش انسان است. چنانچه آگاهی دینی آدمی افزایش یافته و نگاه‌های غلط وی اصلاح شود، در آن صورت امید و خوش‌بینی به وجود می‌آید. از باب نمونه در معارف اسلامی آمده است: (۱) رحمت و فضل و کرم پروردگار از غضب و کینفر و عذایش پیشنی دارد. (۲) خیر دنیا و آخرت به مومنی داده نشده مگر به خاطر خوش گمانی و امیدش به خدا. (۳) خدا کریم است و همه خیرات، دست اوست و حیا می‌کند از اینکه بنده مومنش به او گمان نیک داشته باشد و خدا خلاف گمان و امید انسان رفتار کند. (۴) حسن ظن به خدا این است که به غیر خدا امیدوار نباشی و جز از گناه خود نترسی. (۵) رسول اکرم(ص) تاکید می‌فرماید: باید هیچ‌یک از شما وفات نکند مگر اینکه به خدا خوش‌گمان باشد. (درس‌هایی از اخلاق ص ۹۲- اصول کافی ج ۳ ص ۱۱۵-۱۱۶-مراج‌السعاده ص ۱۷۳)

• **مهدی مددی**

انظر نظر قرآن، هر عمل عبادی که با اخلاص انجام گیرد و شخص از متقین باشد، موجب تقرب به خداوند خواهد شد. البته برخی از اعمال عبادی به سبب ویژگی‌های ذاتی در ایجاد تقرب نقش بسزایی دارند. بنابراین باید این دسته از اعمال عبادی شناسایی و بیشتر مورد توجه و اهتمام بنده قرار گیرد.
امام (رضاع) نماز را از مهمترین اعمال صالح عبادی بر می‌شمارد که عامل تقرب بنده به خدا است. ایشان فرموده است: الصلاة قرئان کلّ تقوّی، نماز، هر شخص یاتقوا و پرهیزکاری را - به خداوند متعال - نزدیک کننده است. (وسائل الشّیعه، ج ۴، ص ۴۲، ح ۴۴۶۹)

از نظر قرآن از جمله‌های **تقرب به خدا**

بر اساس آیات قرآن از جمله آیه ۸۸ و ۸۹ سوره واقعه تقرب بنده به خدا آثاری دارد :
فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّتْ نَعِيمٌ؛ و اما اگر او از مقربان باشد، در آسایش و راحت و بهشت بر نعمت خواهد بود.
از آیه ۲۵ سوره مائده نیز به دست می‌آید که بهره مندی از اسباب و وسایل تقرب به خدا موجب رستگاری شخص در دنیا و آخرت می‌شود. آسه بر این نکته تاکید دارد که هر گونه تلاش بنده برای تقرب‌جویی بی‌پاداش نخواهد ماند. بنابراین باید انسان تلاش خویش را برای تقرب با بهره گیری از اسباب و وسایل داشته باشد، هر چند که نتواند آنچنانکه بایسته و شایسته است عملی در حد خداوندی داشته باشد و حق خداوند را به جا آورد.

کسی که در تلاش برای تقرب به خدا است و با اعمال عبادی و اسباب و وسایلی که در شریعت برای تقرب‌جویی بیان شده، برای رسیدن به آن کوشش می‌کند، باید امیدوار باشد که به فضل و عنایت الهی به آن دست می‌یابد.

انظر نظر قرآن اگر بخواهیم دریابیم که در مسیر تقرب جویی تلاش می‌کنیم، می‌توانیم به نشانه‌هایی توجه یابیم که در صورت تقرب جویی در انسان نمودار می‌شود. از جمله این نشانه‌ها می‌توان به بهره‌گیری از تکیه (اعراف، آیه ۲۰۶)، تسبیح گویی مستمر و شبانه روزی حق و در همه حالات (همان؛ انبیاء، آیات ۱۹ و ۲۰؛ فصلت، آیه ۲۸)، خضوع

در **آیات و روایات بسیاری بر اهمیت و ارزش نماز و جایگاه والا و بلند آن تاکید شده است. خداوند استفاده از نماز به عنوان یکی از مهمترین وسایل رضایت جویی نسبت به خود را مطرح کرده و از مردمان خواسته برای استعانت جویی و بهره مندی از کمک و یاری خداوند به نماز به عنوان ابزار استعانت توجه کند.**

تواضع (همان)، سجده بسیار (همان) و بندگی و عبادت دوستی (همان؛ نساء، آیه ۱۷۲) و عدم خودداری از بندگی و استنکاف از آن (همان) اشاره کرد.

از آیات ۳ و ۴ سوره انفال به دست می‌آید که نماز مایه نیل به مقام قرب الهی است. همین مطلب را امام (رضاع) در قالب قریان کل تقی تبیین کرده است.
انظر نظر قرآن اصولی چون سرعت و سبقت در کار خیر بسیار مهم است. مومن نه تنها باید در کارهای خیر شتاب ورزد و سرعت گیرد، بلکه باید در کارهای خیر از دیگران سبقت گرفته و کوی سبقت را بریابد. چنین شخصی از نظر قرآن از مقربان است؛ به سخن دیگر، اگر بخواهیم مقربان را شناسایی، کسانی هستند که افزون بر سرعت در کارهای خیر سبقت می‌گیرند و به تعبیر قرآنی السابِقون السابِقون هستند. (واقعه، آیات ۱۰ و ۱۱)

نماز، **اولین مورد محاسبه در قیامت**
در قیامت اولین‌های بسیاری است که باید به آن توجه داشت. بی‌گمان اولین و مهمترین پرسش‌تی که از بنده درباره نعمت‌ها می‌شود درباره نعمت ولایت است؛ و در روایات تفسیری درباره آیه ۸ سوره تکوثر وارد شده، مهم‌ترین نعمت همان نعمت ولایت است که از آن می‌پرند. امام درباره کارهای عبادی نخستین محاسبه‌ای که انجام می‌گیرد درباره نماز است که اوج پرستش و بندگی و نماد برترین و زیباترین عبادت است.
امام (رضاع) می‌فرماید: **أَوَّلُ مَا يُحَاسَبُ الْعَبْدُ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ فَإِنْ ضَحَّتْ لَهُ الصَّلَاةُ ضَحَّ مَسَاوَاهُ، وَإِنْ زَدَتْ رَدَّتْ مَسَاوَاهُ،** اولین عملی که از انسان مورد محاسبه و بررسی قرار می‌گیرد کسان‌های هستند که افزون بر سرعت در واقع، بقیه اعمال و عبادات نیز قبول می‌گردد وگرنه مردود خواهد شد.
تشییع کنندگان به جسد خود است.

۱- گفتارهای معنوی، شهید مرتضی مطهری(ره)، ص ۲۳



نماز از مهمترین فروعات اسلامی است که از آن به ستون اسلام، معراج مومن، مرز ایمان و کفر، مقرب انسان و مانند آنها تعبیر شده است. نویسنده در این مطلب اهمیت و ارزش نماز را از منظر امام (رضاع) تبیین کرده‌ است.

نماز؛ موجب تقرب بنده به خدا

شاید مهمترین هدف هر عبادتی دستیابی بنده به تقرب باشد. تقرب در لغت به معنای آهنگ و شتاب در منافع خود است. این واژه وقتی در مسورد تقرب بنده به خدا به کار می‌رود، به معنای نزدیکی روحانی است که با آتصاف خود به صفات کمال و پاک کردن خویش از عیوب و نقایص حاصل می‌شود. (مفردات الفاظ قرآن کریم، راغب اصفهانی، ص ۶۶۵، «قرب» در تقرب بنده به خدا، تقرب مکانی، زمانی و نسبی مقصود نیست، بلکه معنای معنوی آن، که همان مقام و منزلت باشد، مراد و مقصود تقرب جوینده است. در قرآن از واژه‌هایی چون «قرب»، «زلفی»، «عند رتیم»، «عنده»، «عند رتک»، «عندالله»، «درجات»، «قرب»، «وسیله» و برخی جملات برای بیان این مقصود استفاده شده است. از آیات قرآن به دست می‌آید که تقرب جویی به اشخاص دارای مناصب و مقامات عالی اجتماعی به عنوان یک ارزش در میان مردم مطرح بوده و هر کسی دوست دارد با اعمال و رفتاری به صاحبان قدرت و ثروت نزدیک شده و از منافع تقرب معنوی و روحی بهره‌مند شود. قرآن بیان می‌کند سحران خواهان بهره‌مندی از تقرب در صورت غلبه بر موسی(ع) بوده و فرعون به آنان وعده می‌دهد که در صورت چیرگی سحر بر معجزه موسوی، آنها از مقربان خواهند بود و از برکت و آثار آن سود خواهند برد. (اعراف، آیه ۱۱۴، شعراء، آیه ۴۲)

ارزش نماز از نظر امام رضا(ع)

• **مهدی مددی**

انظر نظر قرآن، هر عمل عبادی که با اخلاص انجام گیرد و شخص از متقین باشد، موجب تقرب به خداوند خواهد شد. البته برخی از اعمال عبادی به سبب ویژگی‌های ذاتی در ایجاد تقرب نقش بسزایی دارند. بنابراین باید این دسته از اعمال عبادی شناسایی و بیشتر مورد توجه و اهتمام بنده قرار گیرد.

امام (رضاع) نماز را از مهمترین اعمال صالح عبادی بر می‌شمارد که عامل تقرب بنده به خدا است. ایشان فرموده است: الصلاة قرئان کلّ تقوّی، نماز، هر شخص یاتقوا و پرهیزکاری را - به خداوند متعال - نزدیک کننده است. (وسائل الشّیعه، ج ۴، ص ۴۲، ح ۴۴۶۹)

از نظر قرآن از جمله آیه ۸۸ و ۸۹ سوره واقعه تقرب بنده به خدا آثاری دارد :
فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّتْ نَعِيمٌ؛ و اما اگر او از مقربان باشد، در آسایش و راحت و بهشت بر نعمت خواهد بود.

از آیه ۲۵ سوره مائده نیز به دست می‌آید که بهره مندی از اسباب و وسایل تقرب به خدا موجب رستگاری شخص در دنیا و آخرت می‌شود. آسه بر این نکته تاکید دارد که هر گونه تلاش بنده برای تقرب‌جویی بی‌پاداش نخواهد ماند. بنابراین باید انسان تلاش خویش را برای تقرب با بهره گیری از اسباب و وسایل داشته باشد، هر چند که نتواند آنچنانکه بایسته و شایسته است عملی در حد خداوندی داشته باشد و حق خداوند را به جا آورد.

کسی که در تلاش برای تقرب به خدا است و با اعمال عبادی و اسباب و وسایلی که در شریعت برای تقرب‌جویی بیان شده، برای رسیدن به آن کوشش می‌کند، باید امیدوار باشد که به فضل و عنایت الهی به آن دست می‌یابد.

انظر نظر قرآن اگر بخواهیم دریابیم که در مسیر تقرب جویی تلاش می‌کنیم، می‌توانیم به نشانه‌هایی توجه یابیم که در صورت تقرب جویی در انسان نمودار می‌شود. از جمله این نشانه‌ها می‌توان به بهره‌گیری از تکیه (اعراف، آیه ۲۰۶)، تسبیح گویی مستمر و شبانه روزی حق و در همه حالات (همان؛ انبیاء، آیات ۱۹ و ۲۰؛ فصلت، آیه ۲۸)، خضوع

در **آیات و روایات بسیاری بر اهمیت و ارزش نماز و جایگاه والا و بلند آن تاکید شده است. خداوند استفاده از نماز به عنوان یکی از مهمترین وسایل رضایت جویی نسبت به خود را مطرح کرده و از مردمان خواسته برای استعانت جویی و بهره مندی از کمک و یاری خداوند به نماز به عنوان ابزار استعانت توجه کند.**

تواضع (همان)، سجده بسیار (همان) و بندگی و عبادت دوستی (همان؛ نساء، آیه ۱۷۲) و عدم خودداری از بندگی و استنکاف از آن (همان) اشاره کرد.

از آیات ۳ و ۴ سوره انفال به دست می‌آید که نماز مایه نیل به مقام قرب الهی است. همین مطلب را امام (رضاع) در قالب قریان کل تقی تبیین کرده است.
انظر نظر قرآن اصولی چون سرعت و سبقت در کار خیر بسیار مهم است. مومن نه تنها باید در کارهای خیر شتاب ورزد و سرعت گیرد، بلکه باید در کارهای خیر از دیگران سبقت گرفته و کوی سبقت را بریابد. چنین شخصی از نظر قرآن از مقربان است؛ به سخن دیگر، اگر بخواهیم مقربان را شناسایی، کسانی هستند که افزون بر سرعت در کارهای خیر سبقت می‌گیرند و به تعبیر قرآنی السابِقون السابِقون هستند. (واقعه، آیات ۱۰ و ۱۱)

نماز، **اولین مورد محاسبه در قیامت**
در قیامت اولین‌های بسیاری است که باید به آن توجه داشت. بی‌گمان اولین و مهمترین پرسش‌تی که از بنده درباره نعمت‌ها می‌شود درباره نعمت ولایت است؛ و در روایات تفسیری درباره آیه ۸ سوره تکاثر وارد شده، مهم‌ترین نعمت همان نعمت ولایت است که از آن می‌پرند. امام درباره کارهای عبادی نخستین محاسبه‌ای که انجام می‌گیرد درباره نماز است که اوج پرستش و بندگی و نماد برترین و زیباترین عبادت است.
امام (رضاع) می‌فرماید: **أَوَّلُ مَا يُحَاسَبُ الْعَبْدُ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ فَإِنْ ضَحَّتْ لَهُ الصَّلَاةُ ضَحَّ مَسَاوَاهُ، وَإِنْ زَدَتْ رَدَّتْ مَسَاوَاهُ،** اولین عملی که از انسان مورد محاسبه و بررسی قرار می‌گیرد کسان‌های هستند که افزون بر سرعت در واقع، بقیه اعمال و عبادات نیز قبول می‌گردد وگرنه مردود خواهد شد.
تشییع کنندگان به جسد خود است.

در هنگام تولد بر گوش راست کودک آذان و بر گوش چپ اقامه گفته می‌شود که بیان معارف و حقایق هستی به کودک است؛ این اعمال نوعی ذکر و از باب تذکر است؛ زیرا این حقایق را پیش از این در عالم در دانسته و با آن معارف آشنا شده و بلکه بر اساس آیه ۱۷۲ سوره اعراف بدان ایمان داشته و مهر امضا زده است.

در هنگام مرگ و پس از آن نیز به محضر و مرده مسلمان تلقین گفته می‌شود؛ این تلقین هر چند که در ظاهر با تکان دادن و «سمع و اقه»؛ شنو و بفهم»؛ گفتن به جسدی است که روحی در آن نیست؛ زیرا خداوند هنگام مرگ، روح هر به طور کامل می‌گیرد.(زمر، ص ۴۲) اما از آنجا که نفس با اعمال روز در به نشئات است، اولین عملی که از انسان جسدی بدون روح است، و نیز از آنجا که نوعی اشرفیات از نشئات بالاتر است، جمله نشئه برزخ نسبت به نشئات پایین‌تر از جمله دنیا وجود دارد، به طور طبیعی روح در عالم برزخ نواز و شاهد اعمال دنیوی و رفتار تشییع کنندگان به جسد خود است.

معارف Maaref@Kayhan.ir

خداوند متعال نماز جماعت را قرار داده است که شعاثر اسلامی و معارف الهی همانند اخلاص، توحید، ارزشهای الهی، عبادت و نیایش برای خدا آشکار و ظاهر و مشهود شود زیرا در اظهار این اعمال و علنی بودن آن، حجت خداوند بر مردم شروق و غرب عالم تمام می‌شود.

(مستدرک الوسائل: ج ۳، ص ۲۵، ح ۴)
با نگاهی به عظمت نماز می‌توان دریافت که چرا نماز به عنوان اولین عمل عبادی در ترازوی سنجش و محاسبه قرار می‌گیرد، به طوری که پذیرش آن به معنای پذیرش دیگر اعمال و رد آن به به معنای رد همه اعمال عبادی دیگر است؛ زیرا برای انجام درست و صحیح و مقبول نماز باید همه اعمال دیگر شـُـخـُـص درست و صحیح باشد تا نمازی صحیح و مقبول باشد. امام (رضاع) در بیان شرایط و اجزای نماز می‌فرماید: لِلصَّلَاةِ رُبْعَةٌ أَلَفٌ بَابٌ؛ نماز دارای چهار هزار در (جزء و شرط) می‌باشد. تهذیب الأحکام؛ ج ۲، ص ۲۴۲، ح ۹۵۷)
پس اگر بخواهد نمازی مقبول باشد، باید این شمار از اجزاء و شرایط آن درست باشد. به عنوان نمونه، در قبولی نماز، شرط شده که لباس و مکان نمازگزار حلال باشد و غسبی نباشد و یا طهارت داشته باشد که این به معنای توجه به ظاهر حلال و حرام در نماز است. نمازگزار باید حضور قلب داشته باشد که این خود نیازمند سلامت‌یابی در لقمه حلال گرفته تا فکر و خیال صحیح است و شخصی که حرام خواری کند



فکر و خیالش الوده می‌شود و به سمت و سوی باطل می‌رود. افزون بر این در شرایط قبولی شرط ملکه تقوا و بلکه قیام تقوا شده است؛ یعنی شخص باید از نظر تقوایی به مرتبه‌ای رسیده باشد که تقوای الهی نه تنها ملکه او باشد، بلکه جزو ذات او شده باشد. از این رو در آیه ۲۷ سوره مائده قبولی اعمال برای متقین اثبات شده است.

در آیات و روایات بسیاری بر اهمیت و ارزش نماز و جایگاه والا و بلند آن تاکید شده است. خداوند استفاده از نماز به عنوان یکی از مهمترین وسایل رضایت جویی نسبت به خود را مطرح کرده و از مردمان خواسته برای استعانت جویی و بهره مندی از کمک و یاری خداوند به نماز به عنوان ابزار استعانت توجه کنند. (بقره، آیه ۱۵۳؛ اعراف، آیه ۱۷۸)
بنابراین، باید توجه داشت که نماز نخستین چیزی است که از آن حساب کشیده می‌شود و خداوند آن را مبنای صحت و سقم اعمال عبادی دیگر قرار می‌دهد. کسی که در این امتحان پیروز و سربلند بیرون آید در دیگر امتحانات سربلند خواهد شد و کسی که مردود شود در امور دیگر نیز مردود خواهد شد.

بر اساس همین اهمیت و جایگاه ارزشی نماز است که امام (رضاع) فرمان می‌دهد تا کودکان را به نمازگزاری ترغیب کرده و آنان را نمازگزار بار آورند. ایشان می‌فرماید: **يُؤَخِّدُ الْغُلَامَ بِالصَّلَاةِ وَهُوَ أَيْلٌ سَبْعِ سنين؛** فرمود: پسران باید در سنین هفت سالگی به نماز وادار شوند. (وسائل

در **آیات و روایات بسیاری بر اهمیت و ارزش نماز و جایگاه والا و بلند آن تاکید شده است. خداوند استفاده از نماز به عنوان یکی از مهمترین وسایل رضایت جویی نسبت به خود را مطرح کرده و از مردمان خواسته برای استعانت جویی و بهره مندی از کمک و یاری خداوند به نماز به عنوان ابزار استعانت توجه کند.**

الشّیعه؛ ج ۲۱، ص ۴۶۰، ح ۲۷۵۸۰)
پس نباید کودکان را رها کرد، بلکه باید آنان را به نمازگزاری تشویق کرد و آموزش داد تا در آینده نمازگزار برای آنان سخت و دشوار نباشد.

البته در روایات است که امام (باقرع) کودکان خویش را از همان آغاز بر سجاده می‌نشاند تا به ذکر گویی و صلوات اشتغال داشته باشند و این گونه عادت کنند تا در ساعت خاص بر سجاده نماز قرار گیرند و به عبادت خدا بپردازند. این گونه است که هم مسئولیت‌پذیر می‌شوند و هم آمادگی می‌یابند تا در زندگی خود اهل عبادت باشند و به نماز در زمان خود بپردازند و در این امر کوتاهی نکنند. اصلا آموزش کودکان به هر گونه دعا بویژه درود فرستادن به پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) یکی از مهم‌ترین آموزش‌هایی است که باید در دستور کار قرار گیرد. خصوصاً آنکه صلوات فرستادن آثار بسیاری دارد که از جمله آنها از میان بردن گناهان و جبران خطاها است. امام (رضاع) در این باره فرموده است: **مَنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلٰى مَايَكْفُرْ بِهِ ذَنْبُوهُ، فَلْيَكْفُرْ مِنَ الصَّلٰوةِ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، فَإِنَّهَا تَهْدِمُ الذَّنُوبَ بَعْدَ مَايَكْفُرُ بِهَا** کسی که توان جبران گناهانش را ندارد، باید بر حضرت محمدّ و اهل بیت (علیهم السلام) صلوات فرستد، که همانا گناهانش - اگر حقّ الناس نباشد - محو و نابود شود. (جامع الأخبار ص ۵۹، بحرالانوار؛ ج ۹۱، ص ۴۷، ح ۲)

از آنجا که نماز بهترین عبادت و همچنین بهترین دعا و نیایش به درگاه خداوند است که باید مورد توجه همگان قرار گیرد و به عنوان یک سلاح کارآمد مورد استفاده قرار گیرد. امام (رضاع) درباره سلاح دعا می‌فرماید: **عَلَيْكُمْ بِسِلَاحِ الْاَنْبِيَاءِ، فَيَقِيلُ لَهُ: وَمَا سِلَاحُ الْاَنْبِيَاءِ؟** یا این رسول الله! فقال: «الدّعاء»؛ هر شما باید که کارگری سلاح پیامبران، به حضرت گفته شد. سلاح پیامبران چیست؟ در جواب فرمود: «توجه به خداوند متعال؛ و دعا کردن و از او کمک خواستن است.(بصائرالدرجات:

جنبه تعلیمی دارد. همچنین این تلقین برای جلوگیری از انحراف در دین افراد امت است.

همین مشکل در میان صوفیه رایج شده است؛ زیرا ایشان بر این باورند که اگر کسی به مقام یقین رسیده، دیگر شریعت از جمله نماز بر او واجب نیست؛ در حالی که باید به این افراد گفت یاچهار(ص) در معصومان(ع) در اوجی برتر از او بقیتی بودن اما با این حال تا آخر عمر نماز خوانند و به شریعت عمل کنند. پس نباید به ادعا و انگیزه وصول به یقین دست از شریعت برداشت. همچنین نمی‌بایست به ادعای دارا بودن مقام یقین دست از تلقین میت مسلمان برداشت؛ بلکه باید برای همه افراد اعم از معصوم و مجتهد و عامی این تلقین را به‌جا آورد.

(۱) حال، اصطلاحی برکاربرد در تصوف و عرفان به‌معنای حالتی است که اختیار در ضمیر سالک پدیدار و در مدت کوتاهی ناپدید می‌شود اما اثری نافذ و ماندگار از خود برمی‌گذارد. اما این حال در فرایندی تبدیل به مقام و با همان ملکه می‌شود، به این معنی که نفس این مسلمان در چه مرتبه‌ای از حال، ملکه یا مقام(۱) است. اما اینکه چرا بر معصومان(ع) تلقین گفته می‌شود، بیشتر



جزء ۶، ص ۳۰۸، باب ۸، ح ۵)
نماز شب، موجب گشایش در روزی
در میان نمازهای مستحبی برخی از برتری بیشتری برخوردار است. از جمله نماز شب که خداوند وعده «مقام محمود» را به حضرت پیامبر(ص) داده است.(اسراء، آیه ۷۹)

امام (رضاع) می‌فرماید: **هر شما یاد به نماز شب، هیچ بنده‌ای نیست که آخر شب بیدار شود و هشت رکعت نماز شب و دو رکعت نماز شفع و یک رکعت نماز وتر بخواند و در قنوت آن هفتاد بار استغفار کند، مگر اینکه خداوند او را از عذاب قبر و آتش پناه داده و عمر او را طولانی کرده و به زندگی او گشایش می‌دهد».** (بحرالانوار؛ ج ۸۷، ص ۱۶۱)
پس اگر کسی با مشکل روزی مواجه است باید نماز شب را ترک نکند که در آن استغفار است که خود موجب جلب رحمت و نعمت و دفع و رفع بلا و مصیبت می‌شود. از نسوی دیگر خداوند در قرآن بارها به نماز به نماز به نماز ابزار و وسیله‌ای مطمئن و خوب برای رسیدن به حاجات توجه داده است. پس اگر کسی حاجت مادی و معنوی دارد می‌تواند با استعانت به نماز حاجت خویش را به دست آورد. هر گاه احساس کردید که مشکلی دارید که حل شدنی نیست با دو رکعت نماز آن مشکل را حل کنید، چنان که عالمان اسلامی این گونه، مشکلات علمی خود را حل می‌کردند و بزرگان مشکلات و مصیبت‌های خود را برطرف می‌ساختند.

نماز جماعت، نماز اخلاص

برخی از اعمال اگر ظاهر شوند شکل ربایی به خود می‌گیرند ولی نماز جماعت و حضور در آن نه تنها موجب ربا نمی‌شود بلکه موجب اخلاص در عمل می‌شود. کسی که می‌خواهد از نمازهای خویش بهره



از **نظر قرآن، هر عمل عبادی که با اخلاص انجام گیرد و شخص از متقین باشد، موجب تقرب به خداوند خواهد شد.**

• **مهدی مددی**

انظر نظر قرآن، هر عمل عبادی که با اخلاص انجام گیرد و شخص از متقین باشد، موجب تقرب به خداوند خواهد شد.

فکر و خیالش الوده می‌شود و به سمت و سوی باطل می‌رود. افزون بر این در شرایط قبولی شرط ملکه تقوا و بلکه قیام تقوا شده است؛ یعنی شخص باید از نظر تقوایی به مرتبه‌ای رسیده باشد که تقوای الهی نه تنها ملکه او باشد، بلکه جزو ذات او شده باشد. از این رو در آیه ۲۷ سوره مائده قبولی اعمال برای متقین اثبات شده است.

در آیات و روایات بسیاری بر اهمیت و ارزش نماز و جایگاه والا و بلند آن تاکید شده است. خداوند استفاده از نماز به عنوان یکی از مهمترین وسایل رضایت جویی نسبت به خود را مطرح کرده و از مردمان خواسته برای استعانت جویی و بهره مندی از کمک و یاری خداوند به نماز به عنوان ابزار استعانت توجه کنند. (بقره، آیه ۱۵۳؛ اعراف، آیه ۱۷۸)
بنابراین، باید توجه داشت که نماز نخستین چیزی است که از آن حساب کشیده می‌شود و خداوند آن را مبنای صحت و سقم اعمال عبادی دیگر قرار می‌دهد. کسی که در این امتحان پیروز و سربلند بیرون آید در دیگر امتحانات سربلند خواهد شد و کسی که مردود شود در امور دیگر نیز مردود خواهد شد.

بر اساس همین اهمیت و جایگاه ارزشی نماز است که امام (رضاع) فرمان می‌دهد تا کودکان را به نمازگزاری ترغیب کرده و آنان را نمازگزار بار آورند. ایشان می‌فرماید: **يُؤَخِّدُ الْغُلَامَ بِالصَّلَاةِ وَهُوَ أَيْلٌ سَبْعِ سنين؛** فرمود: پسران باید در سنین هفت سالگی به نماز وادار شوند. (وسائل

در **آیات و روایات بسیاری بر اهمیت و ارزش نماز و جایگاه والا و بلند آن تاکید شده است. خداوند استفاده از نماز به عنوان یکی از مهمترین وسایل رضایت جویی نسبت به خود را مطرح کرده و از مردمان خواسته برای استعانت جویی و بهره مندی از کمک و یاری خداوند به نماز به عنوان ابزار استعانت توجه کند.**

الشّیعه؛ ج ۲۱، ص ۴۶۰، ح ۲۷۵۸۰)
پس نباید کودکان را رها کرد، بلکه باید آنان را به نمازگزاری تشویق کرد و آموزش داد تا در آینده نمازگزار برای آنان سخت و دشوار نباشد. البته در روایات است که امام (باقرع) کودکان خویش را از همان آغاز بر سجاده می‌نشاند تا به ذکر گویی و صلوات اشتغال داشته باشند و این گونه عادت کنند تا در ساعت خاص بر سجاده نماز قرار گیرند و به عبادت خدا بپردازند. این گونه است که هم مسئولیت‌پذیر می‌شوند و هم آمادگی می‌یابند تا در زندگی خود اهل عبادت باشند و به نماز در زمان خود بپردازند و در این امر کوتاهی نکنند. اصلا آموزش کودکان به هر گونه دعا بویژه درود فرستادن به پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) یکی از مهم‌ترین آموزش‌هایی است که باید در دستور کار قرار گیرد. خصوصاً آنکه صلوات فرستادن آثار بسیاری دارد که از جمله آنها از میان بردن گناهان و جبران خطاها است. امام (رضاع) در این باره فرموده است: **مَنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلٰى مَايَكْفُرْ بِهِ ذَنْبُوهُ، فَلْيَكْفُرْ مِنَ الصَّلٰوةِ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، فَإِنَّهَا تَهْدِمُ الذَّنُوبَ بَعْدَ مَايَكْفُرُ بِهَا** کسی که توان جبران گناهانش را ندارد، باید بر حضرت محمدّ و اهل بیت (علیهم السلام) صلوات فرستد، که همانا گناهانش - اگر حقّ الناس نباشد - محو و نابود شود. (جامع الأخبار ص ۵۹، بحرالانوار؛ ج ۹۱، ص ۴۷، ح ۲)

از آنجا که نماز بهترین عبادت و همچنین بهترین دعا و نیایش به درگاه خداوند است که باید مورد توجه همگان قرار گیرد و به عنوان یک سلاح کارآمد مورد استفاده قرار گیرد. امام (رضاع) درباره سلاح دعا می‌فرماید: **عَلَيْكُمْ بِسِلَاحِ الْاَنْبِيَاءِ، فَيَقِيلُ لَهُ: وَمَا سِلَاحُ الْاَنْبِيَاءِ؟** یا این رسول الله! فقال: «الدّعاء»؛ هر شما باید که کارگری سلاح پیامبران، به حضرت گفته شد. سلاح پیامبران چیست؟ در جواب فرمود: «توجه به خداوند متعال؛ و دعا کردن و از او کمک خواستن است.(بصائرالدرجات:

جنبه تعلیمی دارد. همچنین این تلقین برای جلوگیری از انحراف در دین افراد امت است.

همین مشکل در میان صوفیه رایج شده است؛ زیرا ایشان بر این باورند که اگر کسی به مقام یقین رسیده، دیگر شریعت از جمله نماز بر او واجب نیست؛ در حالی که باید به این افراد گفت یاچهار(ص) در معصومان(ع) در اوجی برتر از او بقیتی بودن اما با این حال تا آخر عمر نماز خوانند و به شریعت عمل کنند. پس نباید به ادعا و انگیزه وصول به یقین دست از شریعت برداشت. همچنین نمی‌بایست به ادعای دارا بودن مقام یقین دست از تلقین میت مسلمان برداشت؛ بلکه باید برای همه افراد اعم از معصوم و مجتهد و عامی این تلقین را به‌جا آورد.

(۱) حال، اصطلاحی برکاربرد در تصوف و عرفان به‌معنای حالتی است که اختیار در ضمیر سالک پدیدار و در مدت کوتاهی ناپدید می‌شود اما اثری نافذ و ماندگار از خود برمی‌گذارد. اما این حال در فرایندی تبدیل به مقام و با همان ملکه می‌شود، به این معنی که نفس این مسلمان در چه مرتبه‌ای از حال، ملکه یا مقام(۱) است. اما اینکه چرا بر معصومان(ع) تلقین گفته می‌شود، بیشتر

صفحه ۸
شنبه ۲۷ آبان ۱۳۹۶
۲۹ صفر ۱۴۳۹ - شماره ۲۱۷۷۲

• **مهدی مددی**

انظر نظر قرآن، هر عمل عبادی که با اخلاص انجام گیرد و شخص از متقین باشد، موجب تقرب به خداوند خواهد شد.

فکر و خیالش الوده می‌شود و به سمت و سوی باطل می‌رود. افزون بر این در شرایط قبولی شرط ملکه تقوا و بلکه قیام تقوا شده است؛ یعنی شخص باید از نظر تقوایی به مرتبه‌ای رسیده باشد که تقوای الهی نه تنها ملکه او باشد، بلکه جزو ذات او شده باشد. از این رو در آیه ۲۷ سوره مائده قبولی اعمال برای متقین اثبات شده است.

در آیات و روایات بسیاری بر اهمیت و ارزش نماز و جایگاه والا و بلند آن تاکید شده است. خداوند استفاده از نماز به عنوان یکی از مهمترین وسایل رضایت جویی نسبت به خود را مطرح کرده و از مردمان خواسته برای استعانت جویی و بهره مندی از کمک و یاری خداوند به نماز به عنوان ابزار استعانت توجه کند.

الشّیعه؛ ج ۲۱، ص ۴۶۰، ح ۲۷۵۸۰)
پس نباید کودکان را رها کرد، بلکه باید آنان را به نمازگزاری تشویق کرد و آموزش داد تا در آینده نمازگزار برای آنان سخت و دشوار نباشد. البته در روایات است که امام (باقرع) کودکان خویش را از همان آغاز بر سجاده می‌نشاند تا به ذکر گویی و صلوات اشتغال داشته باشند و این گونه عادت کنند تا در ساعت خاص بر سجاده نماز قرار گیرند و به عبادت خدا بپردازند. این گونه است که هم مسئولیت‌پذیر می‌شوند و هم آمادگی می‌یابند تا در زندگی خود اهل عبادت باشند و به نماز در زمان خود بپردازند و در این امر کوتاهی نکنند. اصلا آموزش کودکان به هر گونه دعا بویژه درود فرستادن به پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) یکی از مهم‌ترین آموزش‌هایی است که باید در دستور کار قرار گیرد. خصوصاً آنکه صلوات فرستادن آثار بسیاری دارد که از جمله آنها از میان بردن گناهان و جبران خطاها است. امام (رضاع) در این باره فرموده است: **مَنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلٰى مَايَكْفُرْ بِهِ ذَنْبُوهُ، فَلْيَكْفُرْ مِنَ الصَّلٰوةِ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، فَإِنَّهَا تَهْدِمُ الذَّنُوبَ بَعْدَ مَايَكْفُرُ بِهَا** کسی که توان جبران گناهانش را ندارد، باید بر حضرت محمدّ و اهل بیت (علیهم السلام) صلوات فرستد، که همانا گناهانش - اگر حقّ الناس نباشد - محو و نابود شود. (جامع الأخبار ص ۵۹، بحرالانوار؛ ج ۹۱، ص ۴۷، ح ۲)

از آنجا که نماز بهترین عبادت و همچنین بهترین دعا و نیایش به درگاه خداوند است که باید مورد توجه همگان قرار گیرد و به عنوان یک سلاح کارآمد مورد استفاده قرار گیرد. امام (رضاع) درباره سلاح دعا می‌فرماید: **عَلَيْكُمْ بِسِلَاحِ الْاَنْبِيَاءِ، فَيَقِيلُ لَهُ: وَمَا سِلَاحُ الْاَنْبِيَاءِ؟** یا این رسول الله! فقال: «الدّعاء»؛ هر شما باید که کارگری سلاح پیامبران، به حضرت گفته شد. سلاح پیامبران چیست؟ در جواب فرمود: «توجه به خداوند متعال؛ و دعا کردن و از او کمک خواستن است.(بصائرالدرجات:

جنبه تعلیمی دارد. همچنین این تلقین برای جلوگیری از انحراف در دین افراد امت است.

همین مشکل در میان صوفیه رایج شده است؛ زیرا ایشان بر این باورند که اگر کسی به مقام یقین رسیده، دیگر شریعت از جمله نماز بر او واجب نیست؛ در حالی که باید به این افراد گفت یاچهار(ص) در معصومان(ع) در اوجی برتر از او بقیتی بودن اما با این حال تا آخر عمر نماز خوانند و به شریعت عمل کنند. پس نباید به ادعا و انگیزه وصول به یقین دست از شریعت برداشت. همچنین نمی‌بایست به ادعای دارا بودن مقام یقین دست از تلقین میت مسلمان برداشت؛ بلکه باید برای همه افراد اعم از معصوم و مجتهد و عامی این تلقین را به‌جا آورد.

ابراهیم بن ابی محمود گویند به امام (رضاع) عرض کردم یابن رسول‌الله (ص) در نزد ما روایات و احادیثی از کتب مخالفین هست که در آن به فضائل امیرالمومنین و فضائل شما اهل بیت(ع) اشاره شده و ما مانند این روایات را از خود شما ائمه نشنیدیم. آیا این احادیث را از کتب آنها استخراج نموده و بیان کنیم یا نه؟ امام (ع) فرمودند: ای پسر ابی محمود بدان هر کس گوش فرا داد به سخن گویندگی یعنی روایت او را قبول کند، او را عبادت کرده است. پس اگر آن گوینده از قول خدای متعال روایت نماید، کسی که قول او را قبول کرده و گوش داده اطاعت و بندگی خدا را نموده و اگر از هوای نفس خود و شیطان روایت کند، شخص شنونده عبادت شیطان را نموده پس بدان ای پسر ابی محمود مخالفان ما خاندان احادیث زیادی در فضائل ما جعل کرده‌اند و سه هدف را از این کار خود دنبال